



ناصرالدین شاه



سلطان عبدالحمید

## اختر و انتقال افکار سیاسی از عثمانی به ایران

■ آتیا پیستور حاتم / ترجمه: معجبی شکوری\*

روزنامه‌های رسمی که طی قرن نوزدهم میلادی در ایران منتشر می‌شوند، عمدتاً در کار انتشار اخبار رسمی از کاخ سلطنت بودند. رجال سیاسی ایران همچون امیر کبیر و میرزا حسین خان برای انتقال ایده‌های خود درباره اصلاحات در دولت، دست به انتشار روزنامه زدند. آنان از این روزنامه‌ها به عنوان قالبی برای تاثیرگذاری بر جامعه ایرانیان استفاده می‌کردند (مانند روزنامه وقایع اتفاقیه امیر کبیر) اگرچه در بعضی موارد مجبور به ایفا کردن نقش روزنامه رسمی حکومت نیز بودند. تا زمان وقوع انقلاب مشروطیت در ایران که در آغاز قرن ۲۰ میلادی انجام گرفت هیچ روزنامه مستقلی در ایران موجود نبود و آنچه که به عنوان یک روزنامه واقعی تلقی گردد تنها در خارج از ایران وجود داشت.

اولین روزنامه مدرن ایرانیان که در خارج از ایران منتشر شد روزنامه «اختر» بود که در استانبول انتشار می‌یافت. البته در این زمینه می‌توان به روزنامه «ترکستان» هم اشاره کرد که دو سال زودتر از اختر انتشار یافت، اما در مورد آن اطلاعات بسیار کمی در دسترس ماست.

تا آنجا که می‌دانیم اختر تحت حمایت سفیر ایران در عثمانی، «معسن خان معین الملک» انتشار می‌یافت که دبیر سفارت رانیز برای کمک به سردبیر روزنامه به کار گماشت. اولین شماره اختر در ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ منتشر شد.

این روزنامه تحت حمایت ایرانیان و عثمانیان منتشر می‌شد. پادشاه عثمانی و سیاستمداران

\* دانشجوی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف

آن روز این امپراتوری اعتقاد داشتند که انتشار یک روزنامه فارسی زبان در پایتخت عثمانی در جهت منافع ایشان است. به طوری که با تاثیر گذاری روی افکار و مظاهر زندگی ایرانیان ساکن امپراتوری عثمانی و عثمانیانی که زبان فارسی را می دانند، تامین کننده منافع دولت عثمانی باشد. آنان اختر را به عنوان یک «سلاح» در برابر (به تعبیر خودشان) «سخنان بیهوده» روزنامه های عثمانی می خواستند؛ با انتشار روزنامه کنترل آن از دست دولت ایران خارج شد. از همان ابتدای انتشار، اختر شروع به نوشتن مقالاتی در زمینه اعلان مشروطیت در امپراتوری عثمانی و پیامدهای آن کرد. تدریجاً روزنامه تحت نفوذ تاثیر پناهندگان سیاسی ایران در عثمانی قرار گرفت. با جانبداری اختر در قضیه تنباکو از رهبران و حرکت نهضت، این روزنامه توقیف شد و پس از چهار سال بعد از ترور ناصرالدین شاه، اختر توسط حکومت عثمانی منحل گشت.

موضوع این مقاله بررسی اختر به عنوان انتقال دهنده اندیشه های سیاسی عثمانی به ایران می باشد. اما چگونه اختر به عنوان یک انتقال دهنده عمل می کرد و در واقع چه ایده های سیاسی توسط اختر انتقال می یافت؟ برای یافتن پاسخ این سوالات به بررسی شماره های سال های ۷۷-۱۸۷۶ و ۸۷-۱۸۸۶ می پردازیم. روزنامه اختر در استانبول انتشار می یافت و توسط ایرانیان اداره می گشت. بعضی از مدیران و کارمندان آن وابسته به سفارت ایران بودند و بقیه آنها را پناهندگان سیاسی ایرانی تشکیل می دادند. خوانندگان آن را در امپراتوری عثمانی، ایران و روسیه می توان یافت که در این مناطق اختر بسیار نیز مورد توجه بود.

پس از مدتی این روزنامه آنچنان جایگاهی یافت که جنبش های بسیاری بر مبنای اخبار و تحلیل های آن به راه می افتاد. روشنائی تمدن از لابه لای برگ های این روزنامه به قلب مردم می تابید و مردم طعم مطالعه یک روزنامه واقعی را با اختر احساس می کردند. اختر در مدت کوتاهی شهرت بسیاری در قفقاز، ایران، ترکستان، هند، عراق (بین النهرین) و... به دست آورد. تا آنجا که در برخی از بخش های قفقاز که عامه مردم در آن دوران مطالعه روزنامه را نامشروع و قابل مجازات تلقی می کردند، روشنفکران و قشر مذهبی را «اختری مذهب» نام نهاده بودند. نام نهادن یک فرقه و مکتب بر اساس نام یک روزنامه، نشان از اهمیت شایان وصف آن دارد.

هنگامی که در ۲۳ سپتامبر ۱۸۷۶ مشروطیت در عثمانی پیروز شده و رسماً اعلام شد این خبر توسط روزنامه اختر و در تاریخ ۷ فوریه ۱۸۷۷ به ایران مخابره شد. از آنجایی که هیچ کدام از روزنامه های رسمی در ایران حتی اشاره ای به اعلام مشروطیت در عثمانی نکردند، ایرانیان تنها از طریق اختر می توانستند درباره این اتفاق مهم اطلاعات کسب کنند. با خواندن روزنامه آنها در می یافتند «مشروطیت» به چه معناست و تصویری از کارکردهای رژیم سلطنت مشروطه می یافتند. در آن زمان متصدیان و نویسندگان اختر تلاش می کردند خوانندگان خود را متقاعد

سازند که بین «مشروطیت» و «شریعت» سازگاری برقرار است. اختربیان اعتقاد داشتند ساختار ایدئولوژی مسلمانان بر مبنای عدالت، حریت، انسانیت، عشق به حقیقت و حق شناسی بنا شده است و از آنجا که مشروطه عثمانیان نیز بر مبنای همین اصول شکل گرفته بود، عملاً تضادی بین مشروطیت و قوانین دین وجود ندارد. اختر با بسیاری از روشنفکران برجسته عثمانی در مورد تعامل بین اسلام و مشروطیت هم عقیده بود. همه آنها در استدلالات خود بر نمونه‌هایی از قرآن و حدیث اتکا داشتند و بر اصل «شورا» در اسلام به عنوان عاملی مهم در جهت حمایت از تاسیس مجلس تاکید می‌ورزیدند.

مصطفی فضیل و نمیک کمال به ساختارهای ستی که در آن زمان در امپراتوری عثمانی وجود داشتند مانند شوراهای محلی اشاره می‌کردند. آنها عمدتاً به مشروطه در تونس که در سال ۱۸۶۱ ایجاد و در سال ۱۸۶۴ لغو شد و همچنین جنبش‌های مردمی در مصر تعلق خاطر و وابستگی داشتند. همچنین تجربه صرب‌ها و رومانیایی‌ها در زمینه شورا در همسایگی امپراتوری عثمانی مورد نظر آنها بود.

نمیک کمال نیز مانند بسیاری از اصلاح طلبان عرب و ترک آیتاتی مانند آیات ذیل را برای اثبات نظریات خود در نشریه‌اش که «حریت» نام داشت برمی شمرد:

«با آنها باشد برای آموزش‌شان دعا کن و در مسائل مهم با آنان مشورت کن.»

او بر اینکه جامعه قدرت خویش را به برخی از اعضای خود که کاملاً وظیفه شناس باشند محول کند تاکید داشت زیرا این عمل را در راستای محدود کردن قدرت بی چون و چرای پادشاه می‌دانستند و در این صورت پادشاه اقدامات خود را تنها در صورت علاقه و اقبال مردم می‌توانست انجام دهد. جامعه می‌تواند گروهی را برای نمایندگی کردن خواسته‌های خود انتخاب کند. می‌دهات پاشا سعی داشت با استفاده از اصل شورا مخالفان خود را در مورد مشروطیت متقاعد سازد.

علاوه بر می‌دهات پاشا، نمیک کمال و مصطفی فضیل پاشا نیز کوشش‌های بسیاری را در نهادینه کردن پارلمان با استفاده از اصل اسلامی «شورا» به کار بستند. لزوم ایجاد یک «انقلاب مشروطه» در ایران توسط بسیاری از علما نیز تایید می‌شد که دولت اسلامی در اصل مشروطه بوده و همچنین وجود یک پارلمان مردمی بهترین تضمین علیه استبداد یک دولت است.

در آن زمان به علت مسائل سیاسی می‌بایستی مسیحیان نیز وارد مجلس شوند و در نتیجه می‌بایستی تاحدی دین از حکومت جدا شود. در اکتبر ۱۸۷۶ روزنامه عثمانی «واکیت» مقاله‌ای را چاپ کرد که در آن تاکید بر تایید مشروطه توسط سنت‌های عثمانی داشت. به این ترتیب فیلسوفان و اندیشمندان در طی سال‌های متمادی مسئله شورا را در مسائل دولتی مطرح کرده بودند. یکی از وظایف علما مدیریت سیاست‌های اقتصادی دولت بود. «شریعت» به هر مسلمان این حق و اجازه

را می داد که در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مانند تنظیم بودجه و . . . نقش داشته باشد.

این موضوع از طریق انتخابات نمایندگان تحقق می‌یافت.

یکی دیگر از مسائلی که طی زمانی طولانی در اختر مطرح می‌شد، مسئله وطن‌پرستی بود که بر اساس حدیث‌هایی همچون «حب الوطن من الایمان» ریشه‌های سنتی آن نیز هویدا می‌شود. وطن نه صرفاً در معنای خاک و دیوارها و سنگ‌ها و شهرها و روستاهای محل زادگاه انسان، بلکه به معنای آموزش و تربیت و شکل‌دهنده باورها و ریشه‌های یک انسان. تأثیراتی که آن فرد روی دیگران می‌گذارد آنچنان وابسته به مفهوم وطن است که می‌توان گفت اگر کسی افتخار و احترام در کشورهای خارجی پیدا می‌کند اساس موفقیت او را می‌توان بر پایه ریشه‌های اعتقادی و انسانی کسب شده در وطنش یافت.

البته نویسندگان اختر نخستین اندیشمندانی نبودند که به معنای جدید مسئله وطن‌پرستی پرداختند. اصطلاح حب الوطن در ترکی به معنای معادل فرانسوی «patriotisme» از مدت‌ها قبل از سال ۱۸۴۱ استفاده می‌شد. این تفسیر مدرن یک اصطلاح قدیمی عربی در روزنامه‌های ترک‌زبان خصوصاً طی جنگ‌های «؟؟؟» (۱۸۵۶-۱۸۵۳) مطرح می‌شد آن روزها مصادف بود با زمانی که شور و وطن‌پرستی در امپراتوری عثمانی به اوج خود رسیده بود. حدیث ذکر شده که می‌فرمود «عشق به وطن بخشی از دین است» پیش از آنکه توسط اختر به کار برده شود، تحت عنوان شعار مورد استفاده بسیاری از روزنامه‌های امپراتوری عثمانی بود. به عنوان مثال روزنامه نوپای «حریت» بر اساس همین حدیث پیش می‌رفت.

نوشته‌های نمیک کمال عشق به وطن را به عنوان یک وظیفه دینی معرفی می‌کند. نمیک پاشا اشاره دارد که انسان به دلیل وابستگی به وطن و هموطنان هم‌زبان در هر شرایطی به کشور خود تعلق خاطر دارد. وطن‌پرستی فراتر از مسئله خاک، شامل تفکرات و ارزش‌هایی همچون: ملت، آزادی، برادری، مالکیت، سلطنت، احترام به نیاکان و عشق به خانواده می‌شود. گفته می‌شود وطن‌پرستی و ناسیونالیسم تا حد زیادی از ناسیونالیسم احساسی قرن ۱۹ اروپای مرکزی تأثیرپذیر بوده است. هرچند در نشریه ایبرت، نمیک کمال در راستای گشودن دریچه‌های تازه‌ای به این بحث، در مقاله‌ای که در ۱۸ جولای ۱۸۷۲ منتشر کرد برخی از اصول ملت نوین را به صورت زیر لیست کرد: حاکمیت مردم، تقسیم قدرت، آزادی عقیده و حق تهیه مسکن.

در تضاد با رهبران «تنظیمات»، علی و فواد پاشا، نمیک کمال آزادی‌های فردی را به عنوان اساس و پایه حقوق مردم مطرح می‌کرد. برداشتی که نمیک کمال از وطن‌پرستی داشت ریشه‌های عمیقی در فلسفه روشنفکری داشت.

با مهاجرت مسیحیان به بالکان، نمیک کمال و همفکرانش در پی ایجاد نوع تکامل یافته‌ای

از وطن پرستی بودند که تلفیقی از ناسیونالیسم عثمانی و اسلام باشد. از آنجا که او با کاستن از ارزش دین و تعلقات قومی و نژادی سعی در تثبیت ناسیونالیسم خاصش داشت، موفق به جذب طرفداران پرشماری نشد.

در ایران مفاهیمی نظیر ناسیونالیسم، وطن پرستی و مشروطیت بسیار دیرتر از امپراتوری عثمانی به موضوع بحث و تبادل نظر مردم تبدیل شد. اکثریت مردم ایران هویت خود را بیشتر به عنوان عضوی از «ممالک اسلامی» می‌پنداشتند تا به عنوان عضوی از ملت «ایران». از مصداق‌های این موضوع می‌توان به نهضت تنباکو اشاره کرد که در آن بسیاری از آغازگران و طرفداران نهضت از ایران به عنوان بخشی از دنیای «اسلام» در برابر فشارهای اروپاییان حمایت کردند. صرف نظر از برخی روشنفکران آن روز جامعه ایران که درباره مزیت‌های مشروطیت می‌اندیشیدند، تقریباً دغدغه کارکردهای مشروطه در قرن ۱۹ در بین توده مردم ایران وجود نداشت.

نخستین روشنفکر ایرانی که مفهوم «وطن» را در قالب مدرن خویش در نوشته‌هایش به کار برده میرزا حسین خان بود. او در سال ۱۸۲۷ متولد شد. بخش زیادی از جوانی خود را در پاریس گذراند و این اقامت به او این فرصت را داد تا طی سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۲ شاهد طلوع و افول انقلاب دوم باشد. اندکی پس از بازگشت وی به کشور، به مقام کنسولگری ایران در بمبئی رسید. پس از آن به کنسولگری ایران در تیفلیس منصوب شد و بعدها از مسوولان رده اول سفارت ایران در استانبول شد. ۱۰ سال پس از این او سفیر کبیر کشورش در استانبول گشت. طی ۱۲ سال اقامت میرزا حسین خان در پایتخت عثمانی، وی گزارش‌های زیادی را درباره حرکت اصلاحی در امپراتوری عثمانی و (آنچنان که خود نام می‌نهاد) «رکود» در ایران ارسال می‌کرد. کمی پس از بازگشت به ایران به عنوان صدراعظم منصوب شد. میرزا حسین خان نخستین روزنامه دوزبانه را در ایران به نام وطن (La patrie) انتشار داد. در نخستین شماره این جریده اعلام شد که دست‌اندرکاران «وطن» در پی اطلاع‌رسانی به اروپاییان در مورد مسائل ایران هستند. آنان به عنوان کسانی که خود را وقف مدرن ساختن ایران کرده‌اند و در این راه از قانون نیز تخطی نمی‌کنند معرفی کردند.

به جز میرزا حسین خان، شاعر آذری‌زبانی به نام میرزا فتحعلی آخوندزاده و «متفکر انقلابی» میرزا آقاخان کرمانی نیز کلمه وطن و دیگر تعبیرات سستی را در قالبی مدرن به کار بردند. با وجود اینکه بسیاری نویسنده‌گان در مورد ناسیونالیسم در ایران قرن ۱۹ غلو کرده‌اند، اما نتیجه‌گیری ما این است که ناسیونالیسم به معنای مدرن آن، قبل از انقلاب مشروطیت در ایران مفهوم گسترده و جاافتاده نبود.

به عنوان یک نتیجه‌گیری می‌توان اذعان کرد که اختر طی سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۸۷۷ و ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۷ به رویدادهای عصر خود و گفتمان‌های ایدئولوژیک و البته سیاسی که در عثمانی آن روزها

در حال جایگزینی بود پرداخته است. اختر علاوه بر ماهیت کلی انقلاب در مورد موسسات و نهادهای آن نیز بحث می‌کرد و اخبار و وقایع یومیه را نیز پوشش می‌داد. اختر اطلاعات مفیدی راجع به گفتمان جایگزین در عثمانی انتقال می‌داد و به خوانندگانش این فرصت را می‌داد تا درباره کشور همسایه خود و همچنین در مورد ایده‌های جدید تاثیر پذیرفته از غرب که در ایران نیز می‌توانستند موثر باشند، اطلاعاتی کسب کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی